

عنوان مقاله:

حکایات کرامات؛ از کرامت سازی تا کرامت ستیزی (منابع کرامات مشایخ تا قرن نهم قمری)

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 21، شماره 69 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسنده:

محمد رودگر - ادیان و مذاهب

خلاصه مقاله:

درون مایه بیشتر حکایات صوفیه، کرامات مشایخ است. این یعنی حجم عظیمی از تذکره ها و مناقب نامه های عرفانی و برخی دیگر از متون صوفیانه که همگی را می توان با عنوان «حکایات کرامات» گنجانند. حکایات کرامات همواره عرصه رد و قبول گروه های گوناگون از مخاطبان خود بوده است. برخی از کرامت باوران نه-تنها این حکایات را پذیرفته اند، بلکه کوشیده اند کراماتی چند در همین قالب برای مشایخ صوفیه جعل کنند. در مقابل، برخی از منکران و کرامت ناباوران نیز به نپذیرفتن و انکار قلبی بسنده نکرده، کار را به کرامت ستیزی کشانده اند. برخی از پژوهشگران معاصر نیز به دلایلی همچون کرامت سازی، یا رسما و علنا به ستیزه با کرامات برخاسته اند، یا به گونه ای واقع گرایی اینگونه حکایات را زیر سوال برده اند، و یا برای آن، محدودیت هایی قائل شده اند. چگونه می توان در میانه این کرامت سازی ها و کرامت ستیزی ها، کرامات اولیا را به عنوان یک پدیده عرفانی به طور علمی بازشناسی نمود؟ در این نوشتار پس از بررسی انگیزه کرامت سازان و انکار کرامت ستیزان، به شیوه توصیفی و تحلیلی مشخص می شود که کرامت سازی ها و کرامت ستیزی ها مانع از آن نیست که نوع کرامات اولیا را به عنوان واقعیت هایی عرفانی به رسمیت نشناسیم. اهمیت موضوع در باورپذیری و واقع نمایی حکایات کرامات است که حجم بسیاری از تراث ادبی و عرفانی را شامل می شود.

کلمات کلیدی:

کرامات اولیا، حکایات کرامات، کرامت سازی، کرامت ستیزی و کرامت باوری.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1901748>

